

طول عمر

خاطر ما ز فراق تو پریشان، تا چند؟ / دوستان از غم تو بی سر و سامان تا چند؟

چون ما به عُمرهای کوتاه مدت انسان‌ها عادت کرده‌ایم و معمولاً در میان ما افراد به هفتاد - هشتاد سالگی که می‌رسند، در آستانه مرگ قرار می‌گیرند، عمر طولانی و بیش از هزار سال برای امام زمان (علیه السلام) غیر عادی به نظر می‌رسد و برای بعضی این سؤال می‌آید که چگونه ممکن است کسی این همه عمر طولانی داشته باشد؟

البته اگر مسئله را با توجه به قدرت خدا در نظر بگیریم، برای خداوند هیچ سخت نیست که انسانی را هزاران سال در اوج نشاط و نیرومندی نگاه دارد. حیات و مرگ دست اوست و بر هر چیز تواناست و قدرت او هم بالاتر از عوامل عادی و علل طبیعی است. عمر طولانی بخشیدن به یک فرد از سوی خدا، محال نیست. از این نگاه، هیچ شبهه‌ای وجود ندارد. بهترین پاسخ آرام بخش برای این سؤال هم همین است.

از نظر علوم طبیعی و مسائلی حیاتی نیز، چنان نیست که عمر طولانی برای انسان برخلاف قوانین طبیعی باشد. پیری و فرسودگی عاملی است که بر زندگی بشر عارض می‌شود. اگر عوامل آن را شناخته و از خویش مراقبت کنیم، عمری طولانی‌تر خواهیم داشت. مگر دانشمندان تلاش نمی‌کنند که با پیشرفت‌های علمی، پیری و فرسودگی و مرگ را به تأخیر بیندازند و مدت زمان حیات بشر را در این دنیا افزایش دهند؟

در این راه، گام‌های مؤثری هم برداشته شده است. پس از نظر علمی هم، عمر هزار ساله و بیشتر، هرچند غیرعادی است، ولی محال نیست، بلکه شدنی است. هم اکنون هم در گوشه و کنار جهان کسانی هستند که عمری نزدیک به صد و پنجاه سال دارند و این در اثر نوع زندگی و آب و هوا و تغذیه و کار بدنی و عوامل دیگر است. علل و اسباب ناشناخته دیگری ممکن است وجود داشته باشد که با آگاهی از آن‌ها بتوان به عمر طولانی‌تر دست یافت. سال‌هاست که دانشمندان در این راه به تلاش علمی پرداخته و نتایج خوبی هم گرفته‌اند.

نمونه‌های افرادی که عمرهای طولانی داشته‌اند، گویای این نکته است که این مسئله، شدنی و تحقق‌یافتنی است. قرآن کریم از حضرت نوح یاد می‌کند که ۹۵۰ سال در میان قوم خود بود و به خدا دعوتشان می‌کرد. این تنها زمان پیامبری اوست و عمر او بیشتر هم بوده است. در منابع دینی برای پیامبری همچون نوح، آدم، ابراهیم، اسماعیل، یوسف، موسی، سلیمان و ... (علیهم السلام) عمری طولانی و گاهی چند صد ساله ذکر شده است. امام سجاد (علیه السلام) فرمود:

در حضرت مهدی (علیه السلام) سنتی از حضرت نوح (علیه السلام) است و آن طول عمر است.

به این گونه افراد که عمری بلند داشته‌اند، «مُعمرین» گفته می‌شود، یعنی صاحبان طول عمر، دراز عُمران. حتماً عواملی سبب این طول عمر می‌شود که قابل شناخت و عمل است. دانشمندان می‌گویند:

همهٔ بافت‌های مهم و اصلی سازمان وجود انسان، قابلیت یک زندگی بسیار طولانی و بی‌نهایت را دارند و انسان اگر بتواند خود را در تیررس عواملی که رشتهٔ حیات او را می‌برد قرار ندهد، کاملاً برایش ممکن است که هزاران سال زندگی کند و عمری بسیار طولانی داشته باشد.

پس مرزی برای پایان عمر انسان در هفتاد یا هشتاد سالگی نیست. همهٔ اسباب و عوامل بهزیستی و تندرستی هم تاکنون شناخته نشده است. در نتیجه از نظر علوم طبیعی هم مانعی برای یک عمر دراز مدت نیست. مگر معتقد نیستیم که خضر، آب حیات نوشید و عمر جاوید یافت و هم اکنون زنده است؟ در تاریخ، انسان‌هایی با عمر بلند، بسیار بوده و زیسته‌اند.

البته از نظر ما که به علم و قدرت و ارادهٔ نامحدود خداوند عقیده داریم، پذیرش این مسئله خیلی آسان است. اصلاً اثر گذاری هر عاملی طبیعی هم به ارادهٔ خداست. خدایی که دریا را برای موسی (علیه السلام) می‌شکافت و برای حضرت صالح (علیه السلام) شتری از دل سنگ بیرون می‌آورد و به دست عیسی (علیه السلام) مرده را زنده می‌کند و آتش را برای ابراهیم به گلستان تبدیل می‌کند و آن همه معجزات شگفت را برای پیامبران محقق می‌سازد، به راحتی می‌تواند به ولیّ و حجت خویش، عمری طولانی و هزار ساله ببخشد و او را از هر حادثه و خطر و بیماری و پیری و مرگ حفظ کند و حضرتش را ذخیره‌ای برای نجات بشریت و اصلاح جهان نگه دارد.

گر نگهدار من آن است که من می‌دانم / شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد.
پس طول عمر امام زمان را تنها نباید با مقیاس علمی (آن هم علم کمال نیافته و محدود) سنجید، بلکه از نگاه اعجاز و قدرت الهی هم باید به آن کرد و به راحتی «نمی‌شود» نگفت.
دست عنایت الهی، آن گوهر یک دانۀ وجود را در صدف هستی پرورانده و برای جلوه‌ای برتر، نگه داشته است. و داستان مهدی (علیه السلام)، داستان دیگری است و راز وجودش، بالاتر از شناخت ما.
آن سفر کرده که صد قافله دل هم‌ره اوست / هر کجا هست، خدایا به سلامت دارش.